

موعود باوری در دین مسیحیت و تطبیق آن با مذهب شیعه

اکرم تقی خانی^۱

چکیده

موعود باوری به معنای اعتقاد به رهاننده ای که با آمدنش رنج ها و سختی ها و بی عدالتی ها به خوشبختی و آرامش بدل میشود و مورد اتفاق همه ادیان الهی است. و ازروزگار کهن اعتقاد به ظهورمصلح اصل اساسی بوده است و بسیاری از پیامبران پیشین درباره ی موعود و منجی آخرالزمان با عناوینی همچون مسیحا و پسر انسان و مهدی و... به میان آمده میان یازده دین زنده کنونی جهان، اسلام و مسیحیت به سبب آسمانی و ابراهیمی بودن، برخورداری از کتاب مقدس و آموزه های بینشی و ارزشی که البته در اسلام بیشتر و کامل تر تجلی یافته، و نیز پیروان فراوان، امتیاز و برتری ویژه ای دارند و میان نگره های دینی اسلام و مسیحیت، بازکاوی اهمیت و جایگاه کتاب آسمانی آن ها به دلیل تأثیرگذاری در همه عرصه های دین شناخت، اهمیت فراوانی دارد حال این سوال مطرح می شود که باور مسیحیت به موعود چگونه است و با منجی شیعه چه رابطه ای دارد؟ هدف اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی دیدگاه های دین مسیحیت و اسلام در باب منجی موعود است. در فرهنگ مسیحی . اعتقاد بر این است که در آخر زمان منجی و تسلی دهنده ای می آید و همه در حکومت منجی حاضر و دادگاهی می شوند و صالحان و نیکوکاران به زندگی ابدی می رسند. و در این خصوص اگرچه در ادبیات آخرالزمانی کتاب مقدس، نامی از مهدی به میان نیامده است با واکاوی تطبیقی کتاب مقدس و آیین اسلامی، وجوه معناداری از تشابه در ویژگی ها و رسالات آخرالزمانی میان موعود اسلامی و موعود مسیحی در اختیار میگذارد که پذیرش همسوی مهدی و مسیحی را برای پژوهشگران مصنف مسیحی نیز موجه جلوه میدهد دراین مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و بنیادی و کاربردی نگاشته شده است.

کلیدواژه ها: موعود باوری، مسیحیت، اسلام، رجعت، حضرت عیسی

مقدمه

اسلام و مسیحیت از ادیان ابراهیمی به شمار می آیند به این معنا که اصل مسیحیت دین توحیدی است که خداوند آن را به وسیله ی حضرت مسیح برای هدایت بشر فرستاده بود و اسلام نیز دین توحیدی است که با نبوت حضرت محمد بعد از دین مسیحیت برای هدایت بشر نازل شده است. و لذا پیروان

^۱ . طلبه سطح دو حوزه علمیه امام صادق علیه السلام بوین زهره noorerahmat313@yahoo.com

ادیان سه‌گانه ابراهیمی، بر پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق و علم، عدالت اجتماعی، نجات بشر از ظلم و ستم و وراثت زمین به صالحان، اعتقاد راسخ دارند. در یک کلمه می‌توان گفت فلسفه تاریخ در ادیان ابراهیمی با اعتقاد به ظهور منجی معنی پیدا می‌کند. و اسلام و مسیحیت مشترکاتی در اعتقاد به موعود آخرالزمان دارند بر همین اساس، تلاش داریم منجی را از نگاه دو دین بزرگ، مسیحیت و اسلام، به عنوان ادیان ابراهیمی بررسی نماییم. و به این سوال پاسخ بدهیم که نگاه مسیحیت و اسلام به موعود چگونه است؟ اندیشه موعود باوری به منجی یا موعود آخرالزمان ایده فراگیر است در ادیان تاریخی و زنده دنیا حضوری چشمگیر دارد این اندیشه در ادیان و فرهنگ‌ها کهن و باستانی تا جنبش‌های نو پدید دینی رسوخ یافته است. عیسی مسیح، موعود در دین مسیحیت است که رسالت نجات بخش او عرصه‌های فردی، جمعی، معنوی و اجتماعی را در بر گرفته است. موعود باوری در اندیشه اسلامی نیز حضوری پررنگ دارد در منابع روایی مهدی را به عنوان منجی اسلامی معرفی کرده که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. اگرچه در این مورد کتابها و مقالاتی نوشته شده است اما در اموری مانند نسب و نوعی و شخصی بودن او و مواردی از این دست اختلافاتی دیده میشود مثلاً در کتابهایی مثل نصوص خاصه مهدی موعود از محمد صادقی، به شناخت حضرت مهدی (علیه السلام)، اوصاف و القاب حضرت به طور اجمال پرداخته است بحث حول المهدی از محمد باقر صدر به بحث استعمال معنای کلمه المهدی و احادیث وارده در شان حضرت پرداخته و روزگار رهایی از کامل سلیمان، به سیمای حضرت مهدی و راز غیبت و طول عمر پرداخته و مطالب به صورت پراکنده موجود می باشد ولی ما در این تحقیق برآن شدیم تمام این موارد را به صورت دسته بندی شده و یکجا جمع آوری کنیم. و ساختار این تحقیق به ترتیب به معانی منجی و موعود و ولادت و اوصاف آنها در دین مسیح و سپس به مقایسه وجوه مشترک و افتراق این دو ادیان اشاره دارد.

موعود در لغت و اصطلاح

موعود باوری به معنای اعتقاد به یک نجات‌بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. منجی موعود و نجات‌بخش در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت، به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است؛ اما همگی تقریباً در این نکته متفق‌القول‌اند که نجات‌بخشی خواهد آمد و آنان را از یوغ بندگی ستمکاران و حاکمان زورگو رهانیده، جامعه‌ای پر از عدل و داد را به وجود خواهد آورد.^۱

تولد عیسی مسیح علیه السلام

^۱ دهخدا، لغت نامه ص ۴۵۶

حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) پیامبر بزرگ الهی و اولوالعزم، در روز ۲۵ دسامبر سال اول میلادی، ۶۲۲ سال قبل از هجرت پیامبر بزرگ اسلام در بیت لحم واقع در سرزمین فلسطین به دنیا آمد. حضرت عیسی (علیه السلام) به فرمان خداوند، به گونه‌ای اعجاز‌آمیز از مادری باکره و مقدس متولد شد و سپس در گهواره شروع به سخن گفتن کرد و پیامبری خود را بشارت داد.

مریم مادر عیسی که در عقد یوسف بود، قبل از ازدواج با او به وسیله روح پاک خدا آبستن شد. یوسف که سخت پای‌بند اصول اخلاقی بود، تصمیم گرفت نامزدی‌اش را با مریم به هم بزند، ولی می‌خواست بی‌سروصدا این کار را بکند تا آبروی مریم نرود. ولی همین‌گونه که در این افکار غوطه‌ور بود، به خواب رفت. در خواب، فرشته‌ای را دید که به او می‌گفت: یوسف، پسر داوود، از ازدواج با مریم نگران نباش. بچه‌ای که در رحم دارد، از روح پاک خداست. مریم پسری می‌زاید و تو اسم او را عیسی، یعنی نجات‌دهنده می‌گذاری، چون او قدم خود را از گناهانش آزاد خواهد کرد و این همان پیغامی است که خداوند قبلاً به وسیله پیامبر خود فرستاده بود که: «ببینید، دختری که باکره است، آبستن می‌شود و پسری به دنیا می‌آورد و اسم او را عمانوئیل می‌گذارد». وقتی یوسف بیدار شد، به دستور فرشته عمل کرد و مریم را به خانه‌اش آورد تا زن او باشد، ولی با مریم هم‌بستر نشد تا وقتی پسرش به دنیا آمد و او را عیسی نامید.^۱

ولادت امام زمان حضرت مهدی (علیه السلام)

وی یگانه فرزند امام عسکری علیه السلام یازدهمین امام شیعیان است. امام زمان حضرت مهدی (عج) در سحرگاه نیمه شعبان ۲۵۵ ق در سامرا چشم به جهان گشود و پس از پنج سال زندگی تحت سرپرستی پدر، و مادر بزرگوارشان نرجس خاتون، در سال ۲۶۰ ق به دنبال شهادت حضرت عسکری علیه السلام - همچون حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام که در سنین کودکی عهده دار نبوت شده بودند - در پنج سالگی منصب امامت شیعیان را عهده دار شدند. آن بزرگوار پس از سپری شدن دوران غیبت با تشکیل حکومت عدل جهانی احکام الهی را در سرتاسر زمین حاکمیت خواهد بخشید.

آخرین امام شیعیان در پانزدهم ماه شعبان ۲۵۵ ق، علی رغم مراقبت های ویژه مأموران حکومت عباسی، در خانه امام عسکری علیه السلام چشم به جهان گشودند. تولد مخفیانه آن حضرت بی شباهت به تولد حضرت موسی علیه السلام و حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام نیست. همان گونه که این دو پیامبر بزرگ الهی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی فرعونیان و نمرودیان به اراده خداوند و به سلامت در کنار کاخ فرعون و نمرود متولد شدند، حضرت مهدی (علیه السلام) نیز در حالی که جاسوسان و مأموران خلیفه عباسی

^۱ طوسی، الغیبه ص ۳۲۷

تمام وقایع خانه امام یازدهم ^{علیه السلام} را زیر نظر داشتند، در کمال امنیت و بدون آن که دشمنان بویی ببرند، در سحرگاه روز جمعه نیمه شعبان قدم به جهان هستی گذاشتند.

مقایسه تطبیقی

آن گونه که از ظاهر برخی آیه‌ها و روایت‌ها بر می‌آید، هنگامی که حضرت مسیح ^(علیه السلام) به دنیا آمد، خداوند متعال ولادت او را پنهان نگاه داشت و به مریم دستور داد به مکان «قصی» رفته و در آنجا پناه گیرد. سپس زکریا و همسرش، خاله مریم، در پی او روان شده و او را یافتند. پس از آن، حضرت عیسی ^(علیه السلام) معجزه‌آسا به سخن آمده و خود را معرفی نمود.

در مورد امام زمان ^(علیه السلام) نیز خداوند بزرگ، حمل مادر و هنگام ولادتش را مخفی داشت و پس از به دنیا آمدن هم، جز حکمیه و مادرش، و بعدها گروهی اندک از یاران ویژه، کسی آگاه نشد. البته از حدیث‌های رسیده استفاده می‌شود که در شرایط مناسب، امام عسکری ^(علیه السلام) او را به برخی از مردم دیگر نیز معرفی کرده است. امام زمان ^(علیه السلام) پس از وفات امام حسن عسکری ^(علیه السلام) و نماز بر پیکر آن حضرت، طولی نکشید که از طریق سرداب مقدس، در پس پرده غیبت قرار گرفت.

کتاب مقدس

کتاب مقدس مسیحیان دارای دو بخش عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد. آن بخش از کتاب مقدس را که درباره پیمان کهن سخن می‌گوید «عهد عتیق» و آن قسمت که درباره پیمان نو سخن می‌گوید را «عهد جدید» می‌نامند. در حقیقت، عهد عتیق، کتاب آسمانی یهودیان است که مسیحیان برای آن احترام قائل شده، آن را در آغاز کتاب خود قرار داده‌اند؛ اما برعکس یهودیان عهد جدید را انکار می‌کنند، و قسمت مورد اعتقاد خود را «عهد» می‌نامند. عهد جدید، شامل ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می‌شوند: بخش اول: زندگی‌نامه و سخنان حضرت عیسی ^{علیه السلام}.

گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی ^{علیه السلام} به نوشتن سیره آن حضرت اقدام کردند و نوشته‌های بسیاری به وجود آوردند که بعدها انجیل نامیده شدند، اما به مرور زمان، رهبران مسیحیت دریافتند که وجود اناجیل متعدد در میان مسیحیان، مشکل‌ساز می‌شود؛ از این رو، تصمیم گرفتند که تنها چهار انجیل از میان اناجیل را رسمیت دهند و اناجیل دیگر را از درجه اعتبار ساقط کنند. این چهار انجیل عبارتند از:

^۱ سلیمان کامل، روزگار رهایی ص ۲۳

- ۱- انجیل متی حواری حضرت عیسی؛ پیرامون سیره و مواظظ مسیح، با اشاره به پیش‌گوییهای عهد عتیق
- ۲- انجیل مرقس حواری حضرت عیسی؛ قدیمی‌ترین و کوتاه‌ترین کتاب سیره و مواظظ مسیح
- ۳- انجیل لوقا حواری حواریون؛ درباره سیره و مواظظ مسیح علیه السلام با تکیه بر جزئیات
- ۴- انجیل یوحنا حواری حواریون؛ آخرین کتاب سیره و مواظظ مسیح علیه السلام با تأکید بر مافوق بشر بودن او

بخش دوم: زندگی‌نامه و سخنان مبلغان صدر مسیحیت.

بخش سوم: نامه‌های رسولان.

بخش چهارم: رؤیاهایی درباره آینده کلیسا و جامعه مسیحیت.

قرآن کریم و کتاب مقدس

از بدیهیات تاریخی است که پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، چهارده قرن پیش ادعای پیامبری کرد و عرب‌ها و غیر آنان به او ایمان آوردند؛ همچنین، کتابی آورد به‌نام قرآن و هم‌آورد طلبید و آن را معجزهٔ پیامبری خود قرار داد. قرآنی که امروزه در دست ماست، همان قرآنی است که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است و معاصران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را خوانده‌اند. تاریخ گواهی می‌دهد که قرآن گم نشده است تا از نو نوشته شده باشد. تنها برخی احتمال کم شدن مقدار کمی، مانند جمله یا آیه و یا تغییر در کلمات یا اعراب جمله یا آیه‌ای را داده‌اند. قرآن در همهٔ زمینه‌هایی که تحدی کرده و هم‌آورد طلبیده است، مانند فصاحت و بلاغت، نظم عجیب و یا نبود اختلاف، امروزه نیز دارای همان اوصاف است. افزون‌براین، قرآن از برخی حوادث آینده با تصریح و یا با اشاره خبر داده است که همهٔ آنها درست بوده‌اند. قرآن خود را به ویژگی‌هایی مانند روشن‌گر و هدایت‌گر متصف کرده است که ما در قرآن موجود، آنها را می‌یابیم. دلایل متعددی برای تحریف نشدن قرآن عرضه شده است. یکی از آنها تواتر قرآن است. دیگری این است که قرآن با ویژگی‌های خاصی مانند معجزه بودن، هادی و نور بودن و... وصف شده است و اگر در قرآن، تغییری مانند زیاد شدن، کم شدن یا تغییر در لفظ یا ترتیب آن صورت گرفته بود، نباید این ویژگی‌ها را می‌داشت؛ ولی قرآنی که امروزه در دست ماست، همهٔ این اوصاف را به‌طور کامل داراست. بنابراین، قرآن موجود همان قرآنی است که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است و اگر فرض شود که در قرآن تغییری رخ داده است، باید در مواردی باشد که به ویژگی‌های یاد شده لطمه وارد نکرده باشد، مانند: اختلاف قرائت.

مقایسه تطبیقی میان قرآن و کتاب مقدس

^۱ اکتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶-۲۸

ظهور نیز علایم و نشانه‌هایی دارد که قبل از آن به وقوع می‌پیوندد. اصل وجود علایم و نشانه‌های ظهور و بعضی از آن نشانه‌ها از نقاط مشترک آخرالزمان ادیان ابراهیمی است.

تطبیق علائم ظهور در دو دین اسلام و مسیحیت:

آتشی از آسمان: در بعضی از روایات اسلامی به آتش زرد و سرخ خامی اشاره شده که از مقدمات ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

وقتی آتش بزرگی از سوی مشرق مشاهده گردید که در بعضی شبها بالا می‌آید، در آن هنگام گشایش کار مردم پدید می‌آید و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم خواهد بود. و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود^۱

در انجیل لوقا نیز از آتشی شبیه آنچه در روایات اسلامی آمده به عنوان نشانه ای از ظهور یاد شده است:

در آن زمان، دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه شان بودند، می‌خوردند می‌نوشتند خرید و فروش می‌کردند، می‌کاشتند و می‌ساختند تا صبح روزی که لوط از شهر سدوم بیرون آمد و آتش گوگرد از آسمان بارید و همه چیز را از بین برد. بلی به هنگام بازگشت من، اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود.^۲

دجال

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: (قیامت برپا نمیشود، تا وقتی که مهدی (علیه السلام) از فرزندانم قیام کند و مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) قیام نمیکند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند).

یا میفرماید: «قبل از برپایی قیامت، خروج دجال است و پیش از دجال، سی دروغگو، یا بیشتر خروج خواهند کرد.^۳

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰،

^۲ کتاب مقدس، انجیل لوقا ۳۰۱

^۳ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۰

مسایل یوحنا آمده است: (فرزندان عزیزم، پایان دنیا نزدیک شده است. شما حتما درباره ظهور دجال که دشمن مسیح است چیزهایی شنیده اید. حتی الان نیز مخالفین مسیح همه جا دیده میشوند)^۱

علامت دیگر، خروج سفیانی با پرچم سبز و صلیب طلایی است همان طور که در فرهنگ عام رایج است، مردم رنگ سبز را به نشان دینی بودن و صلیب را به عنوان نماد غرب و یا غربزدگی می شناسند. پس میتوان این طور برداشت کرد که سفیانی شخصی است غربی و یا غربزده که ادعای دیانت میکند و با تبلیغات وسیع، توسط پول، سرمایه و عوام فریبی اش همانند معاویه، گروه زیادی را، به لطف پرچم سبز اطراف خود جمع میکند. پس میتوان این طور نتیجه گیری کرد که تفاوت بارز سفیانی با دجال این است که سفیانی علاوه بر حمایت مردمی، از پشتیبانی غرب و حمایت نظامی آنها برخوردار است.

خسوف و کسوف: یکی دیگر از نشانه های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است که در احادیث فراوانی از آنها نام برده شده است. امام باقر (علیه السلام) میفرماید: «برای مهدی ما، دو نشانه است که از هنگامی که خداوند آسمانها و زمین را خلق فرمود، سابقه ندارد: خسوف در اول ماه رمضان و کسوف در نیمه همان ماه»^۲

در منابع مسیحی نیز سخن از خورشید گرفتگی و تیرگی ماه به عنوان نشانه های ظهور به میان آمده است: «پس از این مصیبت ها، خورشید تیره و تار خواهد شد و ماه، دیگر نخواهد درخشید، ستاره ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد. آنگاه تمام مردم، مرا خواهند دید که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم می آیم.»^۳

نتیجه گیری

عدهای آمدن موعود را منوط به راه اندازی جنگهای پی در پی می دانند و گروهی آن را خارج از اختیار بشر و برخی آن را جبر تاریخی می دانند. آنچه مسلم است اعتقاد به مصلح جهانی و موعودی است که سرمایه ی اصلی بشر تلقی شده است. سعادت دنیا و آخرت بشر مشروط به حضور وی است. چراکه در غیر این صورت نا میدی و یأس در فرد جولان خواهد داد و عنصر ناامید و جامعه ی مأیوس نمی تواند

^۱ کتاب مقدس انجیل یوحنا ص ۱۶۴

^۲ کورانی، عصر ظهور؛ ص ۱۳۰

^۳ صافی گلبایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۴۴

^۴ کتاب مقدس انجیل مرقس ص ۱۴۶۷

هنجارهای انسانی را زنده نگه دارد و بشر را از رنج برهاند. عقیده ظهور منجی و وجود موعود در تاریخ ادیان، برخاسته از ضرورت نجات خواهی است لذا همه ادیان به این مقوله مهم پرداخته‌اند. مسیحیت و اسلام که از ادیان ابراهیمی محسوب می‌شوند از این قاعده مستثنی نخواهند بود. وجود موعود و بشارت به وجود او بشارت ادیان مبنی بر پیروزی حق و نابودی باطل که تا کنون در تاریخ محقق نشده است. تنها با آمدن موعود امکان دارد و این مسأله جزء نکات مشترک در دین اسلام و مسیحیت محسوب می‌شود. مسیح می‌آید و جهان، پس از ظهور آن منجی در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان، از نقره و طلا پر خواهد گشت و خزائن ایشان را انتهای نیست. منجی وعده داده شده مردی الهی است اینکه موعود و منجی مطلق و مصلح جهان مردی الهی است از جمله مشترکات اسلام و مسیحیت در این مورد محسوب می‌شود. مردی به نام مهدی در اسلام و عیسی در مسیحیت. سلسله جنبان این حرکت آخرالزمانی مردی الهی است چنانچه در روایات مورد قبول همه‌ی فرقه‌های اسلامی است که: رجل من اهل بیتی منجی. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند موعود آخر الزمان مردی از اهل بیت من است. در اندیشه مسیحیت منجی عیسی (ماشیح) است که او نیز مردی الهی محسوب می‌شود. مسیح بار دیگر می‌آید برای کسانی که منتظر او می‌باشند و او ظاهر خواهد شد به جهت نجات اگر چه در خصوصیات آن دو در هر دو مکتب اختلافاتی وجود دارد. از منظر روایات اسلامی منجی از اهل بیت پیامبر آخرالزمان می‌باشد و حضرت عیسی در انقلاب جهانی آخرالزمان زیر لوای مهدی (علیه السلام) شرکت خواهد کرد.

اما مسأله مهم و وجه تمایز اسلام از سایر ادیان همچنین مسیحیت در این مورد مسأله حضور موعود است. اسلام معتقد است غیبت موعود وی به معنای عدم حضور وی نیست بلکه منجی حضوری فعال و کارآمد در میان جامعه دارد به پیروان عنایت و توجه دارد و در میان ایشان زندگی می‌کند صرفاً مستور است. اما از نظر مسیحیت موعود، در میان مردم و روی زمین حضور ندارد و در آخر الزمان بر زمین نزول می‌کند تا صلح و نجات را بیاورد.

فهرست منابع

✽قران کریم

۱-ابطحی، حسن، مصلح آخر الزمان، تهران، بطحاء ۱۳۷۶.

۲-اعمال رسولان رومیان

۳-انجيل يوحنا

۴-بهاء النحل كتاب مقدس، انجيل، متا

۵-تجویری، حمود بن عبدالله ، اقامه البرهان ونزول المسيح فی اخر الزمان ،بی جا،مکتب المعارف، ۱۹۸۵ م.

۶-حموی ، السیوعی معجم الايمان مسیحی ، بیروت ۱۴۰۹.

۷-دهقان، محمد صادق وجمعی از نویسندگان ، مجموعه اثار همایش دکترین مهدویت ، آینده روشن تهران، ۱۳۸۵

۸-رجالی ، علیرضا ؛ یکصد برشش و پاسخ پیرامون امام زمان ، ج ۱ نشر نبوغ، قم، ۱۳۸۷

۹-زبور داوود

۱۰-شاکری ، روح الله ، منجی در ادیان ، قم ، نشر جمکران ۱۳۸۶.

۱۱-کتاب مقدس، انجيل لوقا

۱۲-کتاب مقدس، انجيل مرقس

۱۳-کامل، سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی ، پورسازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۱۴-کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، بی تا.

منابع عربی

۱-ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، الفتن و الملاحم. لبنان، دارالنجیل، ۱۹۸۸

۲-صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر. انتشارات مولف، ۱۴۲۲

٣-طوسی،محمد بن الحسن،الغيبه.مترجم علی احمد ناصح،معارف الاسلاميه ٤٦٠

٤-اربلی ، علی بن عیسی ،كشف الغمه،دارالضوا، ١٤٠٣.

٥-عبد الوهّاب ، عبد السلام ، المسيح المنتظر و نهاية العالم، ، نشر مكتبه وهبه.

٦-مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار،بی جا، ١٣٧١

٧-نعمانی، الغيبه، ترجمه محمد جواد غفاری،انتشارات مولف، ١٤٢٢